

نوشته‌ی دکتر عباس احمدی

در متون مقدس، داستان پر رمز و رازی به نام «داستان گاو ماده» از دوره‌ی حضرت موسی نقل شده است که در مورد آن تفسیرهای بسیاری نوشته شده است. تازه ترین آن ها مقاله ای است که دوست دانشمندم جناب آقای حسین میر مبینی در سایت ایران امروز نوشته اند. برای اصل مقاله‌ی ایشان مراجعه کنید به (<http://www.iran-emrooz.de/maqal/mmobini820520.html>). داستان از این قرار است که در دوره‌ی حضرت موسی، آدم بیگناهی به قتل می رسد. قاتل یا قاتلین او ناشناس می ماند و کسی نمی داند چه کسی مرتکب این قتل شده است. بر سر این موضوع، بین قبایل مختلف اختلاف پیش می آید. حضرت موسی برای حل این معما دستور می دهد که گاو ماده ای را بکشند و دم او را به جنازه‌ی مقتول بزنند. همین که دم گاو به جنازه‌ی مقتول می خورد، مرده زنده می شود و نام قاتل خود را فاش می کند و به این وسیله حق به حق دار می رسد.

هر پژوهنده ای، این داستان را به نوعی تفسیر کرده است. جناب آقای میرمبینی، این داستان را از نظر عرفانی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند و معتقدند که گاو در این داستان مظهر و فرانمود و نشانه‌ی امیال نفسانی است که باید کشته شود تا روح بشر که بارقه‌ای از روح خداوندی است از زندان این گاو زمینی آزاد شود و مانند ذره‌ای، چرخ زنان، به سراپرده‌ی خورشید آسمانی، که همان خداوند است، بیبوند. گرچه این تفسیر عرفانی به جای خود معتبر است، اما، برای کشف معنای اصلی این داستان باید از عصر علم به عصر مذهب و از عصر مذهب به عصر جادو برویم و ریشه‌ی این قصه را در آیین های جادویی آن زمان جستجو کنیم.

در عصر جادو، بومیان نیمه وحشی معتقد بودند که روح باروری و برکت در کالبد گاو زندگی می کند و گاو را مقدس می داشتند. آن ها طی مراسم مخصوصی به نام مراسم گاو کشی، این گاو مقدس را می کشتند و گوشت او را می خوردند و خون او را بر زمین می پاشیدند. اما سوالی که پیش می آید این است که چرا هر ساله این گاو مقدس را می کشتند و او را قربانی می کردند. اگر گاو مقدس بود پس چرا او را می کشتند؟ هدف از این کار چه بود؟

در عصر جادو هدف از مراسم گاو کشی سه چیز بود:

۱) اولین هدف آن بود که بومیان می خواستند با این کار، روح باروری و برکت را از کالبد کهنه به کالبد گاو جوانی انتقال دهند تا آن روح مقدس در خانه‌ی نو، به زندگی خود ادامه دهد. روح باروری و برکت، جاودانی و ابدی بود، اما کالبد گاو ماده، میرنده و فانی بود. کالبد فانی و میرنده را می کشتند تا آن روح باقی و جاودانی از کالبدی کهنه به کالبدی تازه برود و در آن جا زندگی از سر گیرد. برای این هدف مقدس بود که گاوی را که آن همه دوست می داشتند به قتل می رساندند.

۲) دومین هدف آن بود که بومیان گوشت گاو قربانی را بخورند تا نیروی باروری و برکت از گاو به انسان منتقل شود. زیرا معتقد بودند که گوشت گاو چون مدتی با روح باوری و برکت هم خانه بوده است، کمال همنشین در او اثر کرده است و خاصیت باروری و برکت به آن سرایت کرده است. این نوعی جادوی «سرایتی» است که خواص یک چیز از طریق تماس و یا از طریق بلعیدن و خوردن به شخص دیگر منتقل می شود. مراسم قربانی کردن گاو و گوسفند و شتر که هنوز در بین ما متداول است، بازمانده‌ی همین جادوی سرایتی است.

۳) سومین هدف آن بود که خون گاو شهید شده را به زمین بپاشند تا نیروی باروری و برکت از گاو به زمین منتقل شود و باعث حاصلخیزی زمین شود. هنوز هم در هنگام ذبح و سربریدن گاو و گوسفند و مرغ، مردم اصرار دارند که خون آن‌ها از بدن شان خارج گردد و به زمین ریخته شود.

گاو کشتی و شهید کردن گاو، یک آیین جادویی مهم بود که مرگ و زندگی قبیله‌ای به آن بستگی داشت. در سپیده دم عصر مذهب، هر چند، روح باروری و برکت به صورت ایزد باروری از زمین به آسمان رفت، اما آیین جادویی گاو کشتی از میان نرفت بلکه به شکل دیگری به زندگی خود ادامه داد.

به عنوان مثال، در مذهب مهر پرستی و کیش میتراپیسم، آیین گاو کشتی به صورت یک آیین مذهبی در آمد. در بسیاری از کنده کاری‌ها و نقاشی‌های به جا مانده از مذهب مهر پرستی، ایزد مهر، گاوی را می کشد و از دم گاو شهید شده، خوشه‌های گندم می روید. در این جا نیز روح مقدس باروری برکت از راه جادوی سرایتی از بدن گاو به زمین انتقال می یابد و گاو شهید شونده با شهادت خود باعث رستاخیز و زنده شدن دانه‌های گندم از زیر خاک می شود. در شاهنامه نیز پس از شهادت سیاوش، از خون او گیاهی می روید که یاد آور رویدن گیاه از خون گاو شهید شونده در عصر جادوست. حتی وقتی شاعر در شعر خود می گوید که از «خون جوانان وطن، لاله رویده است»، می توان رویدن لاله از خون شهیدان را با رویدن خوشه‌های گندم از خون مقدس گاو مقایسه کرد. ردپای آیین گاو کشتی در همه جا دیده می شود. در نقش‌های برجسته‌ی تخت جمشید هر جا

شیری، گاوی را پاره می کند، اشاره به داستان ایزد مهر و گاو و آیین جادویی گاو کشی است. هرچند، آیین گاو کشی یکی از پایه های مذهب مهرپرستی است اما همین آیین در اوستا و در دین زردشت به صورت یک آیین اهریمنی در آمده است. گناه جمشید در اوستا این است که گاو کشی و خوردن گوشت گاو را به مردم آموخته است (اوستا، یسنه ی ۳۲، بند ۸).

در داستان حضرت موسی نیز ردپای آیین جادویی گاو کشی به خوبی دیده می شود. در این داستان، مردم به فرمان حضرت موسی، در مراسم مخصوصی گاو ماده ای را قربانی می کنند و دم او را به جنازه ی مقتول می زنند. با این کار، نیروی باروری و برکت را از راه جادوی سرایتی، از گاو به مقتول منتقل می کنند و باعث می شوند که مرده زنده شود. این همان نیرویی است که در کالبد مسیح نیز حلول کرده است و به همین علت می تواند مرده را زنده کند. با این تحلیل، نتیجه می گیریم که داستان حضرت موسی، ریشه در یکی از مهمترین آیین های عصر جادو، یعنی آیین گاو کشی دارد. آیین گاو کشی، در اصل، نوعی جادوی سرایتی برای انتقال نیروی باروری و برکت از گاو به انسان بوده است.

حال ببینیم این تفسیر جادویی چه رابطه ی با تفسیر عرفانی دوست دانشمندم جناب آقای میربینی دارد. در عرفان نیز مانند جادو از گاو و گاو کشی نام برده شده است. گاو در عرفان سمبول زندان و قفسی است که روح انسان که بارقه ای از روح خداوند است در آن زندانی شده است. سالک باید این گاو را بکشد تا روح خود را از زندان هواهای نفسانی آزاد نماید و مانند پرنده ای به آن باغ ملکوتی که جایگاه خدایان است پرواز کند. در این جا، شباهت خیره کننده ای بین آیین گاو کشی در عرفان با آیین گاو کشی در عصر جادو دیده می شود. در هردوی این مراسم گاوی کشته می شود تا روح مقدسی که در آن است آزاد شود و به مکان بهتری برود. تنها تفاوت آن ها با یکدیگر، در مورد ماهیت آن مکان دیگر است. در جادو، روح مقدس پس از آزاد شدن از کالبد گاو قربانی شده به بدن گاو تازه ای حلول می کند تا سال دیگر باز به شهادت برسد و این چرخه ی ازلی و ابدی شهادت و رستاخیز تکرار شود. (چیزی شبیه به تناسخ هندی. که آن نیز از مراسم گاو کشی سرچشمه گرفته است) اما، در عرفان، روح مقدس پس از رهایی از کالبد گاو، که سمبول امیال جسمانی است، به آسمان می رود و در خداوند ذوب می شود. در عرفان، گاو حالتی اهریمنی دارد و مظهر و فرانمود و نشانه ی امیال نفسانی و تعلقات پست دنیوی است که باید کشته شود تا روح مقدسی که در آن اسیر است از ناسوت زمین به لاهوت آسمان برود. در حالی که در جادو، روح مقدسی که در کالبد گاو است، پس از شهادت او، در بدن گاو دیگری رستاخیز می کند. این همان کهن-الگوی «شهادت و رستاخیز» است که به شکل های مختلف در

سراسر دنیا تکرار شده است. گاو شهید می شود تا رستاخیز کند. می میرد تا زنده شود. می رود تا بیاید. می خوابد تا بیدار شود. مست می شود تا هشیار شود. فنا می شود تا بقا یابد. نیست می شود تا از نو هستی یابد.

حال که تا حدودی با آئین گاو کشتی آشنا شدیم، می خواهیم بدانیم که این آئین از چه تاریخی در بین قبایل بدوی رایج شده است. می دانیم که بشر در سیر تکامل خود از سه عصر توحش (Savagery)، بربریت (Barbarism) و تمدن (Civilization) عبور کرده است. در عصر توحش، انسان های اولیه، گرز و تیر و کمان و آتش و سید بافی را کشف کردند، اما هنوز اهلی کردن حیوانات و کشاورزی را نیاموخته بودند. آن ها غذای خود را از راه شکار و جمع آوری گیاهان به دست می آوردند. بنابراین آئین گاوکشتی که بعد از اهلی کردن گاو بوجود آمده است نمی توانسته است در عصر توحش وجود داشته باشد. بشر، با عبور از عصر توحش که همان دوره ی پارینه سنگی یا پالئولیتیک (Palaeolithic savagery) است به عصر بربریت (Barbarism) وارد می شود. عصر بربریت و به خصوص در دروره ی میانی آن که مصادف با دوره ی نوسنگی یا (Neolithic Barbarism) است، بشر طرز اهلی کردن دام ها و کاشتن گیاهان را کشف می کند و از این زمان است که دامداری عشایری و کشاورزی و ده نشینی آغاز می شود. در این دوره است که گاو برای اولین بار در مشرق زمین به خصوص در خاورمیانه اهلی می شود. بنابراین می توان حدس زد که قدمت آئین گاوکشتی حداکثر به دوره ی میانی عصر بربریت می رسد. یعنی به زمانی که آریایی های آسیایی و اروپایی هنوز در یک جا زندگی می کردند و یک اسم برای گاو داشتند. به عنوان مثال، در زبان انگلیسی از واژه ی «کاو» (Cow) استفاده می شود که بسیار به واژه ی «گاو» (Gaaw) نزدیک است. یعنی اگر حرف «گ» به «ک» و حرف صدا دار «آ» به «او» تغییر دهیم واژه ی «گاو» تبدیل به واژه ی «کاو» می شود.

با توجه به مطاب بالا می توان نتیجه گرفت که گاوی که در متون مذهبی به دستور حضرت موسی شهید می شود و گاوی که در مثنوی به دست مولوی به قتل می رسد و گاوی که در آئین مهرپرستی به دست ایزد مهر شربت شهادت می نوشد و گاوی که در اوستا به دست جمشید کشته می شود، همه و همه از آئین جادویی گاوکشتی دوره ی نوسنگی سرچشمه گرفته اند. برای توضیحات بیشتر راجع به آئین گاوکشتی می توانید به سلسه مقالات هفت گانه ی «جادو در فرهنگ ایران» که در سایت زیر منتشر شده است مراجعه کنید.
